Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry
Vol. 1/ No. 3/ Winter 2015
Page: 103-115

The prediction of quality of life based on personality traits and type of intelligence in women

H. Davoodi[1], H. Sharifi[2] (Ph.D), A.Shafiabady[3] (Ph.D), V.Fazad[4] (Ph.D)
1-Department of counseling,Faculty of Homanities and social sciences,Science and Research Branch,Islamic Azad University Tehran,Iran.
2-Associate professor, Department of psychology,Ialamic Azad university Roudehen Branch,Roudehen,Iran.
3-Professor, Department of counseling,University of Allameh-Tabatabaee, Tehran,Iran.
4- Associate professor, Department of psychology, University of kharazmi, Tehran,Iran.
Corresponding Author: davoodih@yahoo.com

Abstract

Introduction: Recent studies of quality of life as what philosophers such as Plato, for centuries, has referred to the "good life" is defined.

Objective: The goal of the present study was to investigate the prediction of the quality of life based on personality traits and the type of intelligence in women.

Method: The research method was correlation. The population included all the married women in Markezi& Tehran provinces in 1914. 504 participants were chosen on the basis of cluster sampling. The tools of research were NEO questionnaire, cognitive, spiritual, emotional, moral, culturalintelligencequestionnaires.

Results: The results obtained from the analysis of the data showed that there was a significant positive relation between the quality of life and Extraversion, Agreeableness, Conscientiousness, Openness. Also there was a significant negative relation between the quality of life and Neuroticism. Also there was a significant positive relation between the quality of life and cognitive, spiritual, emotional, moral, culturalintelligences.

Conclusion: According to the results of this study, knowledge of personality traits and the types of intelligence plays an important role in improving the quality of life.

Key word: Quality of life,Personalitytraits, IQ, EQ, CQ, SQ

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1393.1.3.8.7]

مجله روانشناسی و روان پزشکی شناخت
سال اول، شماره ۳، زمستان/۱۳۹۳
صفحات: ۱۱۵-۱۰۳

پیش‌بینی کیفیت زندگی خانواده بر اساس خصیصه‌های شخصیتی و انواع هوش در زنان

حسین داوودی[۱]، دکتر حسن پاشا شریفی[۲]، دکتر عبداله شفیع آبادی[۳]، دکتر ولی اله فرزاد[۲۴]

۱- گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
(davoodih@yahoo.com مولف مسئول،
۲- دانشیار،گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران.
۳- استاد، گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
۴- دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

چکیده

مقدمه: پژوهش‌های اخیر کیفیت زندگی را مانند آن چه که فلاسفه‌ای چون افلاطون قرن‌ها پیش به آن اشاره کرده است «زندگی خوب» تعریف می‌کنند.

هدف: هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی کیفیت زندگی بر اساس خصیصه‌های شخصیتی و انواع هوش در زنان بود.

روش: روش پژوهش حاضر، همبستگی و جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه زنان متأهل استان مرکزی و تهران در ۱۳۹۳ بود. به روش نمونه-گیری خوشه‌ای تعداد ۵۰۴ نفر انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه پنج عامل شخصیت نئو، پرسشنامه کیفیت زندگی، پرسشنامه هوش عاطفی، هوش فرهنگی، شناختی و پرسشنامه هوش معنوی استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش حاضر نشان داد که خصیصه‌های شخصیتی و انواع هوش پیش‌بینی‌کننده معناداری برای کیفیت زندگی بودند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج مطالعه حاضر، اطلاع و آگاهی از خصیصه‌های شخصیتی و انواع هوش نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی دارد.

کلید واژه‌ها: کیفیت زندگی، خصیصه‌های شخصیتی، هوش شناختی، هوش معنوی، هوش عاطفی، هوش فرهنگی

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1393.1.3.8.7]

مقدمه

پژوهش‌های اخیر کیفیت زندگی را مانند آنچه که فلاسفه‌ای چون افلاطون قرن‌ها پیش به آن اشاره کرده است «زندگی خوب» تعریف می‌کنند (دینر، ۲۰۰۳). فریش (۲۰۰۶) معتقد است که کیفیت زندگی بالاتر به فرد امکان می‌دهد که در جهت دستیابی به اهداف خود پیش رفته و خوش بینی، خود کارآمدی، فعالیت، انرژی و بهزیستی جسمی بیشتری را تجربه کند. بدین ترتیب می‌توان گفت خانواده‌ای که کیفیت زندگی خانواده[1] بالاتری را فراهم کرده است در حیطه‌های مختلف زندگی خانوادگی عملکرد بهتری داشته و توان بیشتری برای مقابله مؤثر با معضلات و استرس‌ها خواهد داشت (نیلفروشان، ۱۳۹۲).

پوستون[2]، تورنبال[3]، پارک[4]، مانان[5]، مارکویز[6] و وانگ[7] (۲۰۰۳) کیفیت زندگی خانوادگی را شرایطی تعریف می‌کنند که نیازهای خانواده برآورده می‌شود و اعضای خانواده از در کنار هم بودن احساس رضایت می‌کنند و این موقعیت را دارند که کارهایی را که برایشان مهم است، انجام دهند (براون و براون، ۲۰۰۴).

این سؤال برای متخصصان خانواده درمانی و زوج درمانی مطرح بوده است که چگونه برخی از ازدواج‌ها، شاد و موفق هستند در حالی که بقیه ناشاد بوده یا به طلاق می‌انجامند (هولمن و لینفورد[8]، ۲۰۰۱). ازدواج‌های موفق به سلامت روانی، جسمانی و خانوادگی منجر می‌شود، حال آن که ازدواج‌های ناشاد و ناپایدار هم بر بهزیستی[9] افراد تأثیر سوء می‌گذارند و هم هزینه‌های مالی برای جامعه در بر دارند (کارول، نپ[10] و هولمن، ۲۰۰۵).

در اوایل قرن بیستم تصور می‌شد که فرد با هوش شناختی (IQ) بالا در زندگی‌اش موفق خواهد بود. در اواسط دهه ۱۹۹۰ یک تئوری مطرح شد که شخص با هوش عاطفی (EQ) بالا و (IQ) مشابه، شانس بیشتری برای موفقیت در زندگی دارد زیرا او دارای این ظرفیت است تا بتواند عواطف خود و دیگران را به شکل بهتری مدیریت کند.

در انتهای قرن مشخص شد که هوش معنوی (SI) معروف به (SQ) هوش نهایی است که برای کارکرد مؤثر IQ و EQ لازم است. بعد از آن اصطلاحات و مفاهیم دیگری مانند هوش فرهنگی، هوش اخلاقی و غیره مطرح شدند.

کیفیت زندگی از دید افراد مختلف به صورت متفاوتی درک می‌شود. این بستگی به سیستم اعتقادی آنان دارد. جوانب اصلی زندگی شامل سلامتی (روانی، جسمی، عاطفی و روحی)، تأمین مالی، رفاه اجتماعی، شغل، خانواده و عشق می‌شود. زندگی و قابلیت آن تحت تأثیر به کارگیری هوش انسانی مثل IQ

1. Family life quality
2. Poston
3. Turnball
4. Park
5. Mannan
6. Marguis
7. Wang
8. Holman & Linford
9. well being
10. Carool& Knapp

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1393.1.3.8.7]

و EQ در درجات متفاوت می‌باشد (گاتفردسون، ۲۰۰۲).

هوش عاطفی[1] می‌تواند تأثیر معناداری بر روی ابعاد مختلف زندگی روزانه داشته باشد. هوش عاطفی بالا پیش‌بینی‌کننده کیفیت زندگی است. افرادی که هوش عاطفی بالایی دارند، احتمالاً بیشتر از ساز و کارهای دفاعی سازگار استفاده می‌کنند و سازگاری روان‌شناختی سالمی را نشان می‌دهند. سنجش‌های علمی هوش عاطفی نشان داده‌اند که سطح بالای هوش عاطفی با افزایش احتمال توجه کردن به تندرستی، تعاملات مثبت با دوستان و خانواده و شناختن موضوعاتی که در بردارنده یک عشق فردی است پیوند خورده است. هوش عاطفی بالا به طور معنی‌داری با رابطه گرم با والدین و شیوه‌های دلبستگی[2] همبستگی دارد. در حالی که برخی دیگر دریافته‌اند که افرادی که نمره هوش بالایی در هوش عاطفی کسب می‌کنند، روابط بین فردی مثبت بالایی را در میان کودکان، نوجوانان و میان‌سالان گزارش می‌کنند (مایر و سالووی و کاروسو[3]، ۲۰۰۰).

روابط منفی نیز بین هوش عاطفی و رفتار مشکل‌زا مشاهده شده است. هوش عاطفی پایین‌تر با خشونت بیشتر و رفتار مستعد اغتشاش در میان دانشجویان دانشگاه پیوند خورده است و هوش عاطفی پایین به طور معناداری با مصرف بالای داروهای غیرقانونی و الکل به علاوه شرکت داشتن در رفتارهای انحرافی[4] رابطه دارد (برای مثال زد و خورد فیزیکی و خرابکاری[5]). هیچ تفاوت جنسیتی برای این روابط مشاهده نشده است. در آخر این‌که پژوهشگران در یک بررسی بر روی ۱۵ نفر مرد نوجوان (۱۵ تا ۱۷ سال سن) به این نتیجه رسیده‌اند که متخلفان جنسی مشکلاتی را در زمینه تشخیص احساسات خود و دیگران که دو جزء مهم هوش عاطفی به شمار می‌روند داشتند (مایر، کاروسو و سالووی، ۲۰۰۰)

هوش معنوی[6] توانایی به کارگیری و بروز ارزشهای معنوی است، به گونه‌ای که موجب ارتقای کارکرد روزانه و سلامت جسمی و روحی افراد می‌شود (آمرام[7]، ۲۰۰۹). پژوهش‌های ریچارد[8] (۱۹۹۹) نشان داد که پرداختن به معنویت در زندگی با آرامش، ارتقاء سلامت روان و کاهش برخی مشکلات جسمی همراه است. زمانی که معنویت به خوبی در زندگی فرد انسجام یابد می‌تواند فوایدی مانند شادکامی داشته باشد. بر اساس برخی پژوهشها، معنویت پیش‌بینی‌کننده‌ای قوی برای شادکامی است. به نظر شادکامی ارزشیابی‌های مثبتی است که فرد از خود و زندگیش به عمل می‌آورد. نتایج پژوهش‌های زیادی مؤید اثرات مثبت شادی بر سلامت روان است (داینر[9]،

4. Emotional Intelligence
2. Attachment
6. Mayer,Salovey& Caruso

4. Deviant
5. Vandalism
1. spiritual intelligence
7. Amram
8. Richards
9. Diener

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1393.1.3.8.7]

۲۰۰۳).

به لحاظ نظری، فرهنگ یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده تمامی رفتارهاست. بنابراین به همان اندازه که انگاره‌های فرهنگی متفاوت در رفتار بهنجار می‌یابیم، بایستی در انتظار یافتن تفاوت‌های فرهنگی خاص در رفتار نابهنجار نیز باشیم. مطالعات نشان داده‌اند، هنگامی که افراد با محیط فرهنگی جدیدی روبرو می‌شوند که با فرهنگ بومی آنان تفاوت اساسی دارد، با مشکلات زیادی در سازگاری با آن محیط مواجه می‌شوند تا جایی که فشار ناشی از این مسئله آنان را دچار استرس‌های زیادی می‌کند. در صورتی که افراد در فرایند فرهنگ- پذیری موفق نشوند، دچار فشارهای روانی می‌شوند که خود منجر به مسائل متعددی در زندگی‌شان می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت که هوش فرهنگی[1] دامنه جدیدی از هوش است که ارتباط زیادی با محیط‌های متنوع فرهنگی دارد. هوش فرهنگی به افراد اجازه می‌دهد تا چگونگی تفکر و الگوهای رفتاری پاسخ دادن افراد را تشخیص دهند و در نتیجه موانع ارتباطی بین فرهنگی را کاهش و به افراد قدرت مدیریت تنوع فرهنگی را می‌دهد. فردی که دارای هوش فرهنگی بالاست توانایی یادگیری در محیط فرهنگی جدید را دارد و از رویارویی با فرهنگ‌های جدید لذت می‌برد (دنگ و گیبسون[2]، ۲۰۰۸).

به طور سنتی، روان‌شناسان سلامت، بر اهمیت عوامل انگیزشی و غیرشناختی مانند صفات شخصیت برای پیامدهای سلامتی تأکید کرده‌اند. با این حال؛ پژوهش‌ها نشان داده‌اند که توانایی‌ها، وقتی قرار باشد سلامتی و طول عمر را پیش‌بینی کنند، خیلی با نفوذتر هستند. در واقع، اطلاعات طولی در مورد اعتبار هوشبهر به عنوان پیش بین انواع پیامدهای اجتماعی، شواهد قانع کننده‌ای را برای اهمیت عامل g در زندگی عملی تأمین کرده‌اند. گاتفردسون[3] (۲۰۰۲) ارتباط بین g و پیامدهای مرتبط با سلامتی را این گونه گزارش کرد: برازندگی جسمانی، رژیم غذایی با قند کم، رژیم غذایی کم چربی، طول عمر، الکلیسم (منفی)، مرگ و میر طفل (منفی)، سیگار کشیدن (منفی)، چاقی (منفی). در حالی که این عوامل با عوامل اجتماعی ـ اقتصادی نیز ارتباط دارند، گاتفردسون بر اهمیت توانایی شناختی بیشتر از متغیرهای اجتماعی ـ اقتصادی تأکید کرد. هرچه منابع و اطلاعات بیشتر در دسترس قرار می‌گیرند، فاصله‌ی بین افرادی که هوشبهر بالایی دارند و آن‌هایی که هوشبهر پایین‌تری دارند، بیشتر می‌شود. بنابراین؛ مقیاس‌های توانایی شناختی، پیامدهای سلامتی را حتی درون گروه‌های اجتماعی ـ اقتصادی

1. Cultural intelligence

2. Deng & Gibson
1. Gottfredson

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1393.1.3.8.7]

یکسان پیش‌بینی می‌کنند و به نظر می‌رسد افرادی که باهوش‌تر هستند از منابعی که برای پیشگیری از مشکلات سلامتی و بهبود آن تأمین شده‌اند، بهتر و مؤثرتر استفاده می‌کنند (چامورو و پرموزیک[1]، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۱).

تأثیر محرومیت‌های محیطی و فرهنگی-اجتماعی بر هوش افراد در مطالعه طولی اسکیلز[2] بر روی گروهی از کودکانی که در محیط عادی از تحریک یک پرورشگاه زندگی می‌کردند، مورد پژوهش قرار گرفت (در ۱۹ ماهگی، میانگین هوشبهر آن‌ها برابر ۶۴ بود). برخی از این کودکان را از پرورشگاه گرفته و مورد توجه فردی قرار دادند. در سن شش سالگی، میانگین هوشبهر این کودکان برابر ۹۶ بود، در صورتی که دامنه هوشبهر کودکان همسن آن‌ها که هنوز در یتیم‌خانه به سر می‌بردند بین ۶۰ و ۷۰ بود. بنابراین کیفیت زندگی بر هوشبهر می‌تواند مؤثر باشد (چامورو و پرموزیک[3]، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۱).

یکی دیگر از عواملی که علاوه بر هوش در مدل‌های خانواده درمانی بر آن تأکید شده، ویژگی‌های فردی همسران است. در مدل هولمن و همکاران (۲۰۰۱) بر تأثیر ویژگی‌های فردی همسران (مانند صفات شخصیتی، روحیه و عزّت نفس) بر کیفیت زندگی زناشویی تأکید شده است. آن‌ها عوامل خانواده اصلی را یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل گیری دانسته و معتقدند، شخصیت نقش اصلی و عملی در کیفیت زندگی دارد.

نظریه پنج عاملی بزرگ شخصیت[4] که توسط کاستا و مک کرا[5] در سال ۱۹۸۵ ارائه گردیده، مبنایی برای پژوهش‌های متعدد شده است (نوفل و شیور، ۲۰۰۶). این پنج عامل (روان رنجوری[6]، برون گرایی[7]، تجربه‌پذیری[8]، خوشایندی[9] و وظیفه شناسی[10]) چهارچوبی را برای تبیین تفاوت‌های بین فردی از نظر شخصیت فراهم می‌آورد. عوامل با ثبات جمعیت شناختی، تاریخچه زندگی، ویژگی‌های شخصیتی و تجارب با خانواده اصلی که افراد با خود به زندگی مشترک می‌آورند، کیفیت زندگی را تحت تاثیر قرار می‌دهند. ویژگی‌های فردی شامل تجارب و موقعیت‌های آموزشی، تعامل با همسالان، سابقه روابط عشقی، رشد جنسی، سابقه پزشکی، تجربیات خانواده اصلی (مانند جدایی و طلاق والدین، تعارض خانوادگی، روابط خواهران و برادران و مشکلات مالی)، روان رنجوری و حتی نگرش نسبت به ازدواج است (برادباری[11]، ۱۹۹۵).

عوامل شخصیتی می‌توانند به نوبه خود به نحو مطلوب یا نامطلوب کیفیت زندگی را

1. Chamorro &Premuzic
2. Skeels
3. Chamorro &Premuzic

4. Big five personality traits
5. Costa &McCrea
6. Neuroticism
7. Extraversion
8. Opennes
9. Agreeableness
10. Conscientiousness
1. Bradbury

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1393.1.3.8.7]

تحت تأثیر قرار دهد. به عنوان مثال کسی که با وجدان است، آسان‌تر از کسی که کمتر انگیزه دستیابی به وظایف مهم زندگی را دارد؛ می‌تواند بر موانع غیرمنتظره غلبه کند. بنابراین، فرد باوجدان می‌تواند در ایجاد شاخص‌های عینی کیفیت زندگی (داشتن یک حرفه موفق و کسب ثروت) موفق‌تر باشد و نیز می‌تواند سطوح بالای سلامت ذهنی را به دست آورد (ورش و شایر[1]، ۲۰۰۳). صفات شخصیت از قبیل خشنودی، خرسندی، رضایت از زندگی و خوش بینی که از سازه‌های مهم روان‌شناسی مثبت‌نگر هستند، همپوشی بالایی را با آمادگی‌های درونی، مانند برون‌گرایی زیاد و روان رنجوری کم نشان می‌دهند (دینر[2]، اویشی[3]، ۲۰۰۳). واتسون[4] و همکاران (۲۰۱۰) به این نتیجه رسیدند که خوشایندی و وظیفه شناسی با رضایت در زوج‌ها رابطه مثبت و با روان رنجوری رابطه منفی دارد.

در خانواده‌هایی که کیفیت زندگی پایین است، علائم روان رنجوری وجود دارد و انتظارات ناآگاهانه همسران در تعارض با یکدیگر است و هریک از آنها نتوانسته اند از خانواده اصلی خود جدا شوند (برادباری، ۱۹۹۵).

ویژگی‌های جمعیت شناختی به سن ازدواج، تحصیلات، درآمد، شغل، و طبقه اقتصادی-اجتماعی مربوط می شود. رابطه بین سن ازدواج و کیفیت زندگی رابطه زناشویی، رابطه‌ای خطی و قطعی نیست به طوری که برخی تحقیقات طولی نشان داده‌اند که ازدواج در سنین پایین و پس از سن ۲۹ سالگی با موفقیت کمتر در ازدواج رابطه دارد (لارسون و هولمن، ۱۹۹۴). بین نوع ازدواج فامیلی و غیرفامیلی (صداقت، ۱۳۸۲) و میزان تحصیلات (عطاری، ۱۳۸۵) با رضایت زناشویی رابطه معنادار وجود ندارد. وضعیت اقتصادی و اشتغال می‌تواند با کیفیت رابطه زناشویی ارتباط داشته باشد. درآمد کم و ناامنی شغلی که با مشکلات اقتصادی همراه است باعث ایجاد پریشانی هیجانی و الگوهای تعاملی منفی بین همسران می‌شود (عطاری، ۱۳۸۵).

پژوهش‌های انجام شده در زمینه شرایط عینی زندگی (مانند درآمد، سن، سطح آموزش، سلامت) نشان داده‌اند که ارتباط بین بهزیستی ذهنی و این عوامل ضعیف است. به نظر می‌رسد که سلامت و درآمد برای رفع نیازهای زندگی ضروری است، اما برای بهزیستی ذهنی کافی نیست (دینر، ۲۰۰۹ ب). اله داد[5] و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان «شناسایی صفات مهم و تأثیرگذار شخصیت بر رضایت از زندگی در متأهلین مالزی» نشان دادند که صفات اصلی از قبیل اعتماد به نفس و برون‌گرایی بر رضایت از

1. Wrosch&Scheier
2. Diener
3. Oishi
5. Watson

5. Alahdad

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1393.1.3.8.7]

زندگی تأثیر معناداری دارد. ماریا[1] (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان «شخصیت و مشخصه‌های خلق وخو بر کیفیت زندگی دریانوردان لهستانی» نشان دادند که دریانوردان لهستانی کیفیت زندگی خود را بالا نشان می‌دهند. آن‌ها از روان نژندی پایین برخوردار بودند و نمره برون‌گرایی آن‌ها بالا بود. همچنین در عامل باز بودنبه (استقبال از) تجربه نمره بالایی به دست آوردند. آن‌ها بسیار مهربان، سازگار و با دقت هستند. بنابراین *پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا خصیصه‌های شخصیتی و انواع هوش پیش‌بین‌کننده معنی‌داری برای کیفیت زندگی زنان می باشد؟*

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، روش همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه زنان متأهل استان مرکزی و تهران در ۱۳۹۳ بود. ملاک‌های ورود و خروج در پژوهش به شرح ذیل است: ملاک‌های ورود: تأهل، داشتن فرزند، تحصیلات بالای فوق دیپلم، نداشتن ازدواج مجدد، بیوه و مطلقه نبودن، نداشتن معلولیت جسمی و نداشتن بیماری جسمی و روانی و مدت ازدواج بیشتر از ۲ سال. با تعیین ملاک‌های ورود و خروج برای جامعه آماری، اثر هر نوع رویدادهای استرس‌زا و مزاحم بر کیفیت زندگی کنترل شد. زیرا این گونه رویدادها می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر رابطه زناشویی و کیفیت زندگی داشته باشد (کوهان و برادباری[2]، ۲۰۰۹). میانگین سنی زنان (۳۲/۲۴)، کمینه و بیشینه متغیر سن ۲۰ تا ۶۰ و دامنه تغییر ۴۰ بود. کمترین طول مدت ازدواج ۲ سال و بیشترین مدت ازدواج ۴۵ سال است. ۲۶/۶۳ درصد شرکت‌کنندگان از نظر طبقه اقتصادی بالا و ۴۲ درصد متوسط هستند. ۲۷/۹ درصد شرکت‌کنندگان فوق‌دیپلم و ۶۰/۶ درصد آن‌ها لیسانس بودند. ۳۹ درصد شرکت‌کنندگان با همسران خود نسبت فامیلی دارند.

در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات از ۵ پرسش‌نامه استفاده شد: *پرسش‌نامه پنج عامل شخصیت نئو:* در این پژوهش از پرسش‌نامه پنج عامل شخصیت نئو (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲) برای سنجش ابعاد شخصیتی استفاده شد. پرسش‌نامه پنج عاملی نئو مقیاس مختصری برای سنجش پنج عامل اساسی شخصیت بهنجار است و به منظور تهیه ابزاری کوتاه برای سنجش عوامل و عمدتاً برای استفاده در پژوهش‌های اکتشافی تهیه شده است (مک کری و کاستا، ۲۰۰۴). کاستا و مک کری در سال ۱۹۸۵ پرسش‌نامه شخصیت NEO-PI[3] را تدوین کردند که در آن برای هر یک از عوامل روان رنجوری، برون‌گرایی و تجربه گرایی، شش جنبه در نظر گرفته شده بود. برای بسیاری از کاربردهای پژوهشی نئو طولانی بود.

1. Maria

2. Cohan & Bradbury

3. NEOPersonality Inventory

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1393.1.3.8.7]

برای ایجاد یک مقیاس کوتاه تر کاستا و مک کری (۱۹۹۲) NEO-FFI که شامل ۶۰ گزاره بود را تهیه کردند. این فرم کوتاه بر اساس تحلیل عاملی آیتم های فرم NEO-PI شکل گرفت. مقیاس‌های ۱۲ ماده ای NEO-FFI شامل ماده هایی است که بیشترین بار عاملی را بر روی هر یک از عوامل پنج گانه در آن تحلیل بدست آورده بودند (جان و سریواستاوا، ۱۹۹۹). کاستا و مک کری (۲۰۰۴) در راهنمای آزمون، اطلاعات گسترده ای از روایی همگرا و واگرای NEO گزارش کردند. در MMPI در مورد مقیاس‌های شخصیتی، مقیاس وسواسی با خرده مقیاس اضطراب NEO همبستگی ۰/۵۱، مقیاس مرزی با خره مقیاس پرخاشگری ۰/۴۷، مقیاس اجتنابی با خرده مقیاس کم رویی ۰/۵۸، و مقیاس اسکیزوئید با گروه گرایی ۰/۶۶ نشان می‌دهد. در زمینه روایی همزمان این پرسش‌نامه و پرسش‌نامه نشانگر ریخت مایرز بریکز، پرسش نامه MMPI، پرسش‌نامه CPI، بررسی مزاج گیلفورد و زاکرمن، فهرست رگه ها و مقیاس رگه بین فردی رابطه بالایی گزارش شده است (ملازاده، ۱۳۸۱).

ضریب اعتبار آزمون به روش ضریب آلفای کرونباخ توسط کاستا و مک کری (۱۹۹۲) ۰/۷۴ تا ۰/۸۴ با میانگین ۰/۸۱ متغیر بوده است. در حالی که در پژوهش بنچارد و همکاران (۱۹۹۹) این ضریب در روان رنجوری ۰/۸۵، برون گرایی ۰/۷۲، تجربه گرایی ۰/۶۸، توافق پذیری ۰/۶۹ و برای باوجدان بودن ۰/۷۹ بوده است. در ایران توسط گروسی (۱۳۷۷) اعتبار آزمون به روش ضریب اعتبار بازآزمایی، در مورد ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله ۳ ماه به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۹، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ برای عوامل N، E، O، A، C بدست آمده است.

پرسشنامه کیفیت زندگی: پرسش‌نامه کیفیت زندگی پژوهش حاضر را مقیاس تعدیل یافته زندگی تشکیل می‌دهد که بر اساس پرسش-نامه کیفیت زندگی[1] که نخستین بار توسط اوانز و کاپ (۱۹۸۹، به نقل از تمدنی و بهمنی، ۱۳۸۴) تهیه و توسعه یافته، استفاده شده است. پرسش-نامه ۱۰۰ سوال دارد. نمره-گذاری سؤال‌ها به صورت دو ارزشی (بلی/ خیر) صورت می-گیرد. پرسش‌نامه دارای نمره کلی است که در واقع از حاصل جمع امتیازات فرد در تمامی سوالات است. پرسش-نامه در ایران توسط تمدنی و بهمنی (۱۳۸۴) در یک نمونه مقدماتی به حجم ۴۰۰ نفر هنجاریابی شد. اعتبار پرسش‌نامه که نخستین بار توسط اوانز و کاپ ارائه شده است، با روش فرمول کودر ـ ریچاردسون۲۰، ۰/۹۶ برآورد شده است. روایی پرسش‌نامه نیز بر اساس روش روایی پیش‌بین استفاده شده است. بر پایه این روش همبستگی نمره های مقیاس Q.L.Qبا وضعیت سلامت روانی، سوء مصرف مواد، خشنودی از زندگی محاسبه و نتایج معنادار به دست آمده است

1. Quality of life Questionnaire (Q.L.Q)

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1393.1.3.8.7]

(اوانز و کاپ، ۱۹۹۶، به نقل از تمدنی و بهمنی، ۱۳۸۴).

آزمون هوش عاطفی شوت[1]: این ازمون توسط شوت و همکاران در سال ۱۹۹۸ و بر اساس الگوهای هوش عاطفی مایر و سالووی[2] (۱۹۹۰) برای ارزیابی هوش عاطفی ساخته شده است و شامل ۳۳ جمله خودتوصیفی ۵ گزینه‌ای با گزینه‌های (کاملاً مخالفم (۱)، تا حدودی مخالفم (۲)، نه مخالف و نه موافق (۳)، تاحدودی موافق (۴) و کاملاً موافق (۵ نمره) است. در مطالعه‌ای که بر روی دانشجویان کانادایی انجام شد، همبستگی آزمون عاطفی شوت با مقیاس الکسی تیمیا ۰/۵۲-، روان نژندی ۰/۳۷-، برونگرایی ۰/۵۱، باز بودن ۰/۲۷، سازندگی ۰/۱۸، وظیفه شناسی ۰/۳۸ و مستعد افسردگی ۰/۳۸- (p < ۰/۰۰۱) گزارش شد (شریفی و همکاران، ۱۳۸۷). در ایران محمدی (۱۳۸۵) همبستگی نمره‌های هوش عاطفی شوت را با افسردگی ۰/۳۳-، اضطراب ۰/۲۵- و آلکسی تیمیا ۰/۱۵- (p < ۰/۰۵) گزارش نمود (شریفی و همکاران، ۱۳۸۷). این ضرایب همبستگی روایی ملاکی آزمون را نشان می‌دهد. ضریب اعتبار آزمون به روش ضریب آلفای کرونباخ در ایران توسط محمدی (۱۳۸۱) ضریب ۰/۸۴ و جاوید (۱۳۸۱) مقدار ۰/۸۱ و در خارج از ایران توسط سیاروچی[3] و همکاران (۲۰۰۰) ضریب ۰/۸۴ گزارش شده است. در پژوهش حاضر ضریب اعتبار آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسش نامه۰/۸۷، برای زنان ۰/۸۹ و برای مردان ۰/۹۰ به دست آمد.

آزمون هوش فرهنگی: آزمون هوش فرهنگی توسط آنگ و همکاران (۲۰۰۴) تدوین شده است. آزمون دارای ۲۰ سوال است. پاسخ به هر گویه به صورت ۷ گزینه‌ای است که از کاملاً موافق (۷ امتیاز)، تا کاملاً مخالف (۱ امتیاز) مطرح شده است. برای بدست آوردن نمره کل کافی است که جمع امتیاز هر ۲۰ سوال را با هم جمع کنیم. آنگ و همکاران (۲۰۰۴) ضریب آلفای کرونباخ کل آزمون را (۰/۸۷) گزارش نموده است.

آزمون هوش معنوی: آزمون خودسنجی هوش معنوی در سال ۲۰۰۸ توسط کینگ[4] به منظور سنجش توانایی‌های ذهنی هوش معنوی ساخته شده است. کینگ بر اساس نظریه خود پرسش‌نامه خودسنجی هوش معنوی را تهیه کرد. پرسش-نامه دارای ۲۴ عبارت است. آزمودنی باید در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت میزان موافقت یا مخالفت خود با هر یک از عبارات پرسش‌نامه را مشخص کند. روایی همگرایی آزمون خودسنجی هوش معنوی از طریق همبستگی نمره آن با چند پرسش‌نامه از جمله تجارب عرفانی، جهتگیری مذهبی و هوش عاطفی که به ترتیب ۰/۶۳، ۰/۴۸ و ۰/۴۶ محاسبه شده است، به اثبات رسیده است. در ایران آقابابایی و همکاران (۱۳۸۹) به

1. Schutte EQ
2. Mayer &Salovey
3. Ciarrochi
4. King

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1393.1.3.8.7]

منظور بررسی روایی همگرا پرسش‌نامه، همبستگی آن را با آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام و مقیاس خود ارزیابی معنویت به دست آوردند. همبستگی بین این پرسش‌نامه‌ها حاکی از روایی همگرایی این ابزار است. کینگ و دسیکو[1] (۲۰۰۹) ضریب آلفای کرونباخ کل آزمون را ۰/۹۲ و ضریب آلفای زیر مقیاس‌های آن را بدین شرح گزارش کرده‌اند: تفکر انتقادی وجودی (۰/۷۸)، تولید معنای شخصی (۰/۷۸)، آگاهی متعالی (۰/۸۷) و بسط هوشیاری (۰/۹۱) در ایران آقابابایی و همکاران (۱۳۸۹) ضریب آلفای برای کل آزمون را ۰/۸۸ و برای خرده مقیاس‌های تفکر انتقادی وجودی (۰/۷۰)، آگاهی متعالی (۰/۶۷)، تولید معنای شخصی (۰/۷۵) و بسط حالت هوشیاری (۰/۷۵) گزارش نموده‌اند.

آزمون هوش کتل: *آزمون هوشی نابسته به فرهنگ کتل*[2] برای اندازه‌گیری هوش کودکان از ۴ سال به بالاتر تا بزرگسالان سرآمد تدوین شده است. محتوای آزمون به گونه‌ای طراحی شده است که هر قدر ممکن است از عوامل فرهنگی مستقل باشد و در نتیجه هوش سیال را مورد سنجش قرار می‌دهد.

در پژوهش حاضر فرم A مقیاس ۳ به کار رفته است. برخی از پژوهش‌ها همبستگی بین آزمون کتل و پیشرفت تحصیلی را ۰/۳۰ تا ۰/۵۰ و همبستگی بین آزمون کتل با سایر آزمون‌های هوش از جمله وکسلر و استنفورد ـ بینه را ۰/۵۰ تا ۰/۸۹ گزارش کرده‌اند. این همبستگی‌ها نشان می‌دهد که این آزمون‌ها عوامل مشترکی را می‌سنجند. به نظر می‌رسد که این آزمون، عامل «g» را اندازه‌گیری می‌کند (شکوهی یکتا و پرند، ۱۳۸۵). در پژوهش حاضر از هنجار ایرانی آزمون که بر روی ۶۰۰ دانشجو انجام شده، استفاده گردید. ضریب آلفای کرونباخ آزمون در پژوهش حاضر ۰/۸۲ به دست آمد.

روش‌های آماری مورد استفاده در این پژوهش، آمار توصیفی شامل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و تحلیل استنباطی مشتمل بر آزمون رگرسیون چند متغیری است.

یافته ها

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که در خصیصه‌های شخصیتی به ترتیب بیشترین و کمترین میانگین به برونگرایی و روان رنجوری و بیشترین و کمترین انحراف استاندارد به توافق پذیری و تجربه پذیری تعلق دارد. در انواع هوش بیشترین و کمترین میانگین به ترتیب به هوش عاطفی و شناختی و بیشترین و کمترین انحراف استاندارد به ترتیب به هوش فرهنگی و شناختی تعلق دارد. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که ۴۱ درصد از واریانس کیفیت زندگی از طریق خصیصه‌های شخصیتی و انواع هوش تبیین می‌شود.

1. Decico
2. Cattell culture fair intelligence tests

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1393.1.3.8.7]

جدول۱: یافته‌های توصیفی متغیرها **n=۵۰۴**

متغیرها	میانگین	میانه	نما	S	کمینه	بیشینه
روان نژندی	۲۱/۲	۲۱	۲۱	۴/۶	۸	۳۷
برونگرایی	۲۷/۱	۲۷	۲۷	۴/۲	۸	۴۳
تجربه پذیری	۲۵	۲۵	۲۵	۳/۷	۱۵	۳۵
توافق پذیری	۲۳/۸	۲۳	۲۳	۶/۳	۸	۴۵
وجدانی بودن	۲۶/۵	۲۶	۲۶	۴/۴۸	۱۵	۴۵
هوش شناختی	۳۱/۲۴	۳۱	۳۱	۶/۴	۱۷	۵۰
هوش عاطفی	۱۲۰/۳۰	۱۱۲	۱۲۰	۱۲/۹	۶۸	۱۵۷
هوش معنوی	۶۴/۲۶	۶۴	۶۴	۱۳/۴	۸۰	۱۹
هوش فرهنگی	۸۹/۴۷	۹۱	۹۳	۱۸/۰۴	۲۰	۱۳۷
کیفیت زندگی	۷۴/۲۸	۷۶	۷۶	۱/۲	۲۷	۱۰۲

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که معنی‌دار شدن مقدار F بیانگر این است که شرایط برای اجرای مدل رگرسیونی فراهم است.

جدول ۲: ضرایب رگرسیون و تعیین

مدل	ضریب میستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین اصلاح شده	خطای معیار برآورد شده
۱	۰/۶۵۲	۰/۴۲۵	۰/۴۱۹	۹/۵۹

جدول۳: خلاصه نتایج تحلیل واریانس

	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	Sig
رگرسیون	۶۱۹۴۵	۹	۶۸۸۲/۸۲	۷۴/۷۳	.۰۰۰
باقی مانده	/۵۲ ۸۳۸۱۲	۹۱۰	۹۲/۱۰۲		
کلی	/۹ ۱۴۵۷۵۷	۹۱۹			

در جدول ۴ ضرائب تاثیر متغیرهای خصیصه‌های شخصیتی و انواع هوش با توجه به آماره t نشان داده شده است. متغیر روان نژندی با مقدار t=۸ و p=-۰/۰۱ رابطه منفی و معنی‌دار، متغیر برونگرایی با مقدار t= ۲/۹۷و p=۰/۰۱ رابطه مثبت و معنی-دار، متغیر تجربه‌پذیری با مقدار t=۵/۲۳ و p=۰/۰۵ رابطه مثبت و معنی‌دار، متغیر توافق پذیری با مقدار t=۵/۹۵ و p=۰/۰۱ رابطه مثبت و معنی‌دار، متغیر وجدانی بودن با مقدار t=۶/۳۷ و p=۰/۰۱ رابطه مثبت و معنی-دار، ز متغیر هوش شناختی با مقدار t=۳/۶۱ و p=۰/۰۱ رابطه مثبت و معنی‌دار، متغیر هوش عاطفی با مقدار t=۵/۰۲ و p=۰/۰۱ رابطه مثبت و معنی‌دار، متغیر فرهنگی با مقدار t=۴/۴۹ و p=۰/۰۱ رابطه مثبت و معنی‌دار، با متغیر کیفیت زندگی دارند. ضریب تحمل محاسبه شده، حاکی از پایین بودن میزان هم پوشی متغیرهای پیش بین است که این خود از مناسب بودن انتخاب متغیرها ناشی می‌شود. هر چه مقدار این ضریب به ۱ نزدیکتر باشد، بهتر است.

جدول۴: ضرایب حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیره

	ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	T	Sig	ضریب تحمل
	B	خطای	بتا			

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1393.1.3.8.7]

		استاندارد				
ثابت	۶/۶۵	۳/۸۹	-	۱/۷	/۰۸۸	۰/۹۲
					۰	۰/۷۳
روان نژندی	۰-/۵۹	۰/۰۷	۰/۲۲	-۸	.۰۰۰	۰/۷۲
			-			۰/۷۷
برونگرایی	۰/۲۶	۰/۰۸	۰/۸۷	۲/۹۷	/۰۰۳	۰/۷۱
					۰	۰/۹۸
تجربه پذیری	۰/۵۱۷	۰/۰۹۹	۰/۱۵	۵/۲۳	.۰۰۰	۰/۷۱
توافق پذیری	۰/۳۳	۰/۰۵۶	/۱۷۱	۵/۹۵	.۰۰۰	۰/۷۲
			۰			۰/۸۱
وجدانی بودن	۰/۵۱۶	۰/۰۸۱	/۱۹۰	۶/۳۷	.۰۰۰	۰/۸۱
			۰			
هوش شناختی	۰/۱۸۶	۰/۰۵	/۰۹۵	۳/۶۱	.۰۰۰	
			۰			
هوش عاطفی	۰/۱۶۱	۰/۰۲۹	/۱۶۵	۵/۰۲	.۰۰۰	
			۰			
هوش معنوی	۰/۰۹۲	۰/۰۲۸	/۰۹۹	۳/۳۱	/۰۰۱	
			۰		۰	
هوش فرهنگی	۰/۰۸۶	۰/۰۱۹	/۱۲۳	۴/۴۹	.۰۰۰	
			۰			

متغیر ملاک: کیفیت زندگی

بحث و نتیجه‌گیری

کیفیت زندگی پدیده ای چند بعدی شامل ابعاد جسمانی، روانی و اجتماعی است که پهنه وسیعی از طیف زندگی یک فرد را در بر می‌گیرد که تأثیر این ابعاد همچنین بر کل کیفیت زندگی در افراد متفاوت گوناگون است. در این رابطه فلانگان (۱۹۸۲) نیز بیان می‌دارد که افراد جامعه از لحاظ میزان تأثیر عوامل مختلف بر روی کیفیت زندگی با یکدیگر تفاوت دارند و کلیه این ابعاد دارای تأثیر یکسان و مشابهی بر روی کیفیت زندگی نیست (الیور و همکاران، ۱۹۹۶).

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که از بین متغیرهای خصیصه های شخصیتی، متغیر روان نژندی رابطه منفی و معنی‌دار و متغیرهای برونگرایی، توافق‌پذیری و تجربه‌پذیری و وجدانی بودن رابطه مثبت و معنی‌داری با کیفیت زندگی دارند. از بین انواع هوش، هوش شناختی، عاطفی، فرهنگی و معنوی، پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای کیفیت زندگی هستند. این یافته با نتایج پژوهش عطاری (۱۳۸۵)، لارسون و هولمن (۱۹۹۴) و دینر (۲۰۰۹) همخوانی دارد. یافته های هولمن (۲۰۰۱) نشان داد که حمایتی که خانواده از سوی شبکه اجتماعی خود دریافت می‌کند و احساس آنها نسبت به پیوند با این شبکه، بر کیفیت زندگی آتی آنها تاثیر دارد. در حالی که ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی پیش از ازدواج مانند: سن ازدواج، تحصیلات، درآمد و غیره نقش چندانی در رضایت و کیفیت رابطه زناشویی نخواهند داشت. نکته جالب توجه آن که نتایج پژوهش او نشان داده است که هر چه سن ازدواج و میزان تحصیلات زنان در موقع ازدواج بالاتر باشد، میزان رضایت زناشویی آنها کمتر خواهد بود. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که روان نژندی با کیفیت زندگی رابطه منفی و تجربه‌پذیری، برونگرایی و وجدانی بودن پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1393.1.3.8.7]

برای کیفیت زندگی بودند. این یافته با نتایج پژوهش هولمن (۲۰۰۱)، برادباری (۱۹۹۵)، ورش و شایر (۲۰۰۳)، دینر (۲۰۰۳)، اله داد (۲۰۱۴)، ماریا (۲۰۱۳)، نجاریان (۲۰۱۲)، واتسون (۲۰۱۰)، همخوانی دارد. یافته‌های مربوط به انواع هوش نیز با یافته‌های پالمرو استوگ (۲۰۰۳)، استین و براون (۲۰۰۴)، کاروسو (۲۰۰۰)، ریچارد (۱۹۹۹)، باد (۲۰۰۹) همخوانی دارند.

هر چند کیفیت زندگی خانواده به خودی خود یک پیامد است با این حال بر تعداد زیادی از فرآیندهای درون و بیرون از خانواده تأثیر می‌گذارد (برادباری، فینچام و بیچ[1]، ۲۰۰۰). کیفیت زندگی خانواده عامل اصلی برای دیگر پیامدهای آن مانند ثبات زناشویی، بهزیستی فردی (شامل شادمانی، خوش بینی، امیدواری، صبر، شکرگزاری، بخشش، مدیریت هیجان، عزت نفس، شوخ طبعی و غیره)، بهزیستی همسر و فرزندان است (کاستر، ۲۰۰۹). بدین ترتیب کیفیت زندگی بالای خانواده مزایای متعددی را برای جامعه، خانواده و فرد به ارمغان می‌آورد. بنابراین نتایج حاصل از پژوهش حاضر می‌تواند مورد استفاده رویکردهای پیشگیرانه و پُربارسازی برنامه‌های روانی ـ آموزشی و همچنین در مشاوره پیش از ازدواج و حتی در زوج درمانی و خانواده درمانی مورد استفاده قرار بگیرد.

1. Beach

منابع

Alahdad, R. Masoumeh, A. Tajudin, N. & Fariba, M. (2014). Identifiyng Major Traits of personality towards life satisfaction among married students. Available online at www.sciencedirect.com .

AghaMollayi,T(2005).The principles and Generalities of Health-Care services.TehranAndish publication.

Amram, Y. (2009). The contribution of emotional and spiritual intelligence to effective business leadership. Doctoral Dissertation, *Institute of transpersonal psychology*, California, palo Alto.

Bradbury, T. N. (1995). Assessing the four fundamental domains of marriage. *Family Relations*, 44, 4, 459- 468.

Brown, L. and Brown. M. (2004). *Dinosaurs Divorce: A Guide for Changing Families*. Boston. M A: Little Brown.

Carroll, J. S. Knapp, S. J. and Holman, T. B. (2005). Theorizing about marriage. cited in: Bengston, V. L. Acock, A.c. Allen, K. R. Dilworth- Anderson, P. and Klein, D. M. *Source Book of Family Theory & Research*. California. sage publications.

Cohan, C. L., & Bradbury, T. N. (2009). Longitudinal Studies of Marital Satisfaction and Dissolution. In: Encyclopedia of Human Relationships. SAGE Publication. http://ww.sage-erefernce.com

Deng, L. and Gibson, P. (2008). A qualitative evaluation on the role of cultural intelligence in cross- cultural leadership effectiveness. *International Journal of Leadership Studies.* 3: 181- 197.

Diener, E. (2003). What is positive about positive psychology: The curmudgeon and Pollyanna.*Psychological Inquiry*, 14,115-120.

Diener, E. (2009.b). Subjective well-being. In E. Diener (Ed.), The science of well-being: The collected works of Ed Diener (Vol. 37, *Socail Indicators Research Series*, pp.11-38). New York: springer.

Diener, E., &Oishi, S. (2003). Are Scandinavians happier than Asians? Issues in comparing nations on subjective well-being. In E. Columbus (Ed.), *Politics and economics of Asia*. Hauppange, NY: Nova science.

Frish, M. B. (2006). Finding happiness with Quality of Life Therapy: A Positive

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1393.1.3.8.7]

Psychology approach. Woodway, TX: Quality of Life press. E-mail contact: Michael – Frich@baylor.edu.

GarussiFarshi,M.T.(1998).*Normalizatio n of new Test of NEOpersonality*,PhD. Dissertation in psychology.TarbiatModarresUniverrsity.

Gottfredson. L. S. (2002). g: Highly general and highly practical. In R.J. Sternberg & E.L. Grigorenko (Eds.), *The general factor of intelligence: How general is it*? (pp.331-380). Mahwah, NJ: Erlbaum.

Holman, T. B., & Linford, S. T. (2001). Premarital factors and later marital quality and slability. In: T. B. Holman (Ed.), *Premarital predictions of marital quqlity or Breackup: Research, Theory, and Practice* (pp. 2-28). New York: Kluwer Academic Publishers.

Larson, J. H., & Holman, T. B. (1994). Premarital predictions of marital quality and stability. *Family Relations*, 43, 2, 228-237.

Maria, J. Irenal, L. & Marta, G. (2013). Personality and temperamental feutures vs. Quality of life of polish seafarers. Int marit health, 65, 2: 101- 105. www.intmarhealth.pl

Mayer, J. D. Salovey, P. and Caruso (2000). made is of emotional intelligence. *Handbook of intelligence*. (pp.360-420). Cmbridge.uk: Cambridge university press.

Mayer, J. D., Caruso, D., &Salovey, P. (1999). *Emotional intelligence meets traditional standards for an intelligence*. Manuscript submitted for publication.

Mullazade,J.((2002).*Marital Adjustment Relation With personality factors and coping style among matyrs' children*,PhD. Dissertation in psychology.TarbiatModarresUniverrsity.

Nilforushan.p,Abedi,M.R and Ahmadi,A.(2013).*Family pathology*.Isfahan.Isfahanuniversity publications.

Noftle, E. E., & Shaver. P. R. (2006). Attachment dimensians and the big five personality traits: Associations and comparative ability to predict relationship quality. *Journal of Research in Personality*. 40, 179- 208.

Richards, P. S., berg in, A.E. (1999). A Spiritical Strategy for Counseling and Psychotherapy.USA, *American psychology association.*

Thomas Chamorro-premuzic (2012).*personality and Individual Diffferences*.(YahyaSeyyedMohammadi,tra nslator).Tehran NashrRavan publications.

Watson, D. Hubbard, B., & Wiese, D. (2010). General traits of personality and affectivity as predictors of satisfaction in intimate relationships: Evidence From self and partner – rating. *Journal of personality*. 68, 413- 449.

Wrosch, C., &Cheier, M. F. (2003). Personality and quality of life: The importance of optimism and goal adjustment. *Quality of Life Research 12* (Suppl.1): 59-72.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1393.1.3.8.7]